

دستگاه‌های پول و شکسته

بنده فرمانبر خدا و رسول

امام باقر (ع) روایت کرده است که اموالی از غنایم جنگی به حضرت علی (ع) رسید و حضرت آن‌ها را در اختیار حضرت زهرا (س) قرار داد. آن بزرگوار با مقداری از آن اموال، پرده‌ای برای خانه و با بقیه آن زیورهای برای خود خریداری کرد. در آن زمان رسول خدا (ص) در مسافرت بود. از برنامه‌های منظم آن حضرت این بود که در آستانه مسافرت‌هایش، آخرین کسی که با او خداحافظی می‌کرد فاطمه (س) بود و در بازگشت نیز ابتدا به سراغ دخترش می‌رفت. در بازگشت از این سفر نیز رسول خدا (ص) به خانه زهرا (س) رفت. حضرت فاطمه (س) با خوشحالی از پدر استقبال کرد. چشم پیامبر (ص) که به پرده نو و زیورها افتاد، نشستن را طول نداد و با یک نگاه (معنادر) به دخترش، خانه را ترک کرد.

فاطمه (س) با مشاهده این برخورد، سخت اندوهگین شد و بلافاصله پرده را از جای کند، زیورها را نیز از دستش بیرون آورد و به فرزندانش حسن (ع) و حسین (ع) داد و فرمود: این‌ها را نزد پدرم ببرید و بگویید: «در هر راه که صلاح می‌دانی مصرف کن». عزیزان زهرا (س) نزد رسول خدا (ص) رفتند و پیام مادر را ابلاغ کردند. حضرت آنان را بوسید، در آغوش گرفت و روی زانوی خود نشاند و زیورها را قطعه قطعه کرد و آن‌ها را میان اهل صفه تقسیم نمود. پرده را نیز به چند نفر از آنان که لباس نداشتند، داد تا با پارچه آن، لباسی تهیه کنند. آن حضرت سپس فرمود: خدا فاطمه (س) را رحمت کند، همانا خداوند در برابر این (انفاق و ایثار) لباس‌های بهشتی بر او خواهد پوشاند و او را به زیورهای بهشتی مزین خواهد ساخت.

انما فاطمه بضعه منی یؤذینی ما آذاها

فاطمه پاره تن من است، آنچه وی را آزار دهد مایه آزار من نیز می‌شود.

حضرت محمد (ص)

به مناسبت سالروز شهادت
حضرت فاطمه زهرا (س)

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى فاطمة الزهراء



بهترین هدیه از بهترین پدر

«ابن شهر آشوب» از «زُهری» روایت کرده است که: فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از بس با آسیاب دستی کار کرده بود آثار آن در دستهای مبارکش پیدا بود، علی علیه السلام نیز بدنش به علت کشیدن مشک آب بر دوش خود آزرده بود. روزی امیرمؤمنان علیه السلام به همسر گرامی اش، زهرا علیها السلام فرمود: به حضور پدر بزرگوارت برو و بخواه تا از میان اسیران جنگی برای ما خادمی بفرستد. فاطمه علیها السلام شرفیاب محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شد، سلام کرد و بدون هیچ درخواستی بازگشت. علی علیه السلام از او پرسید: چه کردی؟ عرض کرد: به خدا! هیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله نگذاشت (در این مورد) با او سخنی بگویم.

امیرمؤمنان علیه السلام خود به همراه فاطمه علیها السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله مشرف شد، رسول خدا پرسید: برای کار و درخواستی این جا آمده‌اید؟ علی علیه السلام عرض کرد: خادمی برای کمک در کارهای زندگی می‌خواهم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من این اسیران را می‌فروشم و پول آن‌را در راه رفع نیازمندی‌های مستمندان

اهل سقه به مصرف می‌رسانم (که در شرایطی خیلی بدتر از شما زندگی می‌کنند). سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله تسبیح معروف «حضرت زهرا علیها السلام» را به آن بزرگوار یاد داد.

شاید یکی از اسراری که موجب شد رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن موقعیت، این تسبیح را زهرا علیها السلام هدیه کند این باشد که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در بردارنده بهترین ذکرهاست و ذکر و یاد خدا مایه آرامش و اطمینان قلب است و تحمل سختی‌ها و ناملایمات را، برای انسان آسان می‌کند.

مرحوم علامه مجلسی در فضیلت و کیفیت تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام نزدیک سی روایت با سندهای گوناگون ذکر کرده است و نیز از علامه حلی در کتاب «منتهی المطلب» آمده است که: «تسبیح حضرت زهرا علیها السلام بهترین ذکرهاست و همه اهل دانش بر استحباب آن اتفاق نظر دارند».

«تسبیح حضرت زهرا علیها السلام در تعقیب هر نمازی برای من از هزار رکعت نماز در هر روز دوست‌داشتنی‌تر است».

امام صادق علیه السلام

درکاش درس پدر

حاکم نیشابوری از یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که: روزی آن بزرگوار به خانه دخترش، فاطمه علیها السلام رفت. حضرت زهرا علیها السلام گردنبندی از طلا در دست خود گرفته بود و به پدر بزرگوارش (که آثار سؤال از سیمای مبارکش ظاهر بود) عرض کرد: همسر من، علی علیه السلام این گردنبند را به من هدیه داده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه جان! آیا دوست داری مردم بگویند: فاطمه، دختر محمد (رسول خدا صلی الله علیه و آله) است (و تو را با این عنوان بشناسند) و در دست تو زنجیری از آتش باشد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله این جمله را فرمود و بدون درنگ از خانه زهرا علیها السلام بیرون رفت. بزرگ بانوی جهان اسلام بلافاصله با آن زنجیر طلایی برده‌ای خرید و وی را در راه خدا آزاد کرد.

آن حضرت با این واکنش زهرا علیها السلام مسرور شد.

ما لاولیائی والهم بالدنیا ان الهم یذهب حلاوه مناجاتی من قلوبهم دوستان مرا با اهتمام ورزیدن به دنیا چه کار؟ همانا این اهتمام شیرینی مناجاتم را از دل‌های آن‌ها می‌برد.

حدیث قدسی

خنده بر مرگ!

مرحوم مجلسی از صحاح بخاری، مسلم و احمد از عایشه حکایت کرده است که: در آخرین روزها (و شاید آخرین ساعت‌های) زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله که آن بزرگوار در بستر بیماری افتاده بود، دخترش فاطمه علیها السلام در کنار بستر پدر نشسته بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش آن دختر یگانه، رازی گفت که او را گریان ساخت. بعد از اندکی راز دیگری به زهرا علیها السلام فرمود که او را خندان و متبسم کرد. سبب این گریه و خنده را از حضرت صدیقه طاهره پرسیدند، پاسخ داد: در اولین بار، پدر بزرگوارم به من خبر داد که به زودی به عالم بالا رحلت خواهد فرمود. برای این بود که من گریستم. اما بار دوم به من خبر داد که از اهل بیت، من اولین کسی هستم که به او ملحق خواهم شد، لذا خندیدم.

□ □ □

سابقوا الی منازلکم الی امرتم ان تعمروها...

به سوی خانه‌هاتان که به شما دستور آبادی‌اش را داده‌اند(خانه آخرت) بر یکدیگر پیشی گیرید.

حضرت علی علیه السلام

آماده برای دیدار محبوب

«سلمی» همسر ابو رافع می‌گوید: در همان روزی که حضرت فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، (چند ساعت) قبل از ارتحال به من فرمود: آبی برایم آماده کن. برای آن حضرت آب آوردم و او به بهترین وجهی غسل کرد، سپس از من خواست لباس‌های تمیز و نو او را برایش بیاورم. من نیز آن‌ها را برای آن بزرگوار بردم. پوشید و به اتاق خودش رفت و فرمود: رختخواب مرا وسط اتاق پهن کن، حضرت روی رختخواب رو به قبله خوابید، دست مبارک را زیر گونه‌اش قرار داد و فرمود: من امروز از دنیا خواهم رفت، غسل کرده‌ام و بدنم تمیز است. (هنگام غسل) لباس‌هایم را بیرون نیاورید و آن گاه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

بعد از آمدن امیرمؤمنان علیه السلام من سخنان فاطمه علیها السلام را درباره بیرون نیاوردن لباس‌هایش عرض کردم. حضرت فرمود: (هنگام غسل) لباس‌هایش را

بیرون نخواهم آورد و سپس پیکر مطهر آن بزرگوار را برای غسل دادن (به محل مخصوص) انتقال داد.

مرحوم مجلسی بعد از نقل حکایت فوق می‌فرماید: شاید نهی آن بزرگوار از کشف بدن، نهی از کشف جسد برای نظافت بوده نه از غسل دادن چرا که روایات بسیاری در دست است که علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را غسل داده است. و شاید از رازهای این غسل و نظافت قبل از شهادت آن بوده که امیرمؤمنان علیه السلام مجبور نشود برای نظافت، لباس را از تن رنجور آن بزرگوار درآورد و بر شکستگی پهلوی و... اطلاع یابد! زیرا طبق مشهور حضرت زهرا علیها السلام علی علیه السلام را از این قضیه مطلع نساخته بود والله العالم.

□ □ □

اشرف الغنا ترک المنی

حضرت علی علیه السلام

شریف‌ترین بی‌نیازی و انهدان آرزوهاست.